



شیخ مفید در عصری پراشتاب و دورانی پراضطراب زندگی می‌کرد که بحث‌ها، مناظرات، جدال‌ها و گفتگوهای اعتقادی بسیار رایج بود. باب بحث و گفتگو با مخالفان شیعه را باز کرد و با تسلطی که به علوم مختلف از قبیل: کلام، فقه، اصول و تفسیر داشت، از مذهب تشیع دفاع و حمایت کرد و به شبهات موجود پاسخ گفت.

چشمه‌سار اندیشه

در گلستان دین و دانش به دانشمندان ابرار و متعهدی برمی‌خوریم که علم را تنها به خاطر خدا و برای خدمت به جامعه مسلمین می‌خواهند. این گروه در طول تاریخ کم‌نظیر و نادر بوده‌اند و همین امر سبب شده است که همچون ستارگانی پرفروغ و بدون افول در آسمان تاریخ دنیای متمدن بدرخشند و مشعلی برای پویندگان راه هدایت و طالبان نجات، به شمار آیند و با عمر پربرکت و خدمات بی‌شائبه، دنیای اسلام را با رایحه علم و معرفت خود عطرآگین و با درخشش همیشگی خویش متور سازند.

یکی از این عالمان عامل و دانشمندان مخلص که افکار و آثار جاویدش تا قیام قیامت به ما و نسل‌های آینده نور می‌دهد، «محمد بن محمد بن نعمان بغدادی عکبری» معروف به «ابن معلّم» و «شیخ مفید» است.

وی متکلمی توانا و فقیهی محقق و از پیشتازان علم کلام و حدیث و از رجال نامی شیعه است که چون کوی درخشان در آسمان فقاہت و روایت طلوع کرد و برای همیشه پرفروغ خواهد ماند. این فقیه و متکلم جلیل القدر و خدمتگزار مکتب مقدس اهل بیت علیهم السلام در روز یازدهم ذی قعدة سال ۳۳۶ یا ۳۳۸ هـ.ق. در قریه «سویقه ابن بصری» از توابع «عُکبری» در ده فرسنگی شمال بغداد، نزدیک شهر «دجیل» در یک خانواده اصیل و عمیق در مذهب تشیع - که زندگی آنان مالا مال از عشق به اهل بیت علیهم السلام بود - به دنیا آمد ^۱. از او ان کودکی همراه پدر به بغداد رفت و فراگیری علم و دانش را با یاد خدا آغاز کرد. شور و عشق فراوان به تحصیل، نشاط و علاقه بسیار به مطالعه، کار را بدانجا رسانید که در پنج سالگی برای او از «ابن ابی الیاس» اجازه روایت گرفتند! وقتی هفت سال و چند ماه از عمر شریفش گذشته بود، از «ابن سَمَک» روایت نقل کرد. وی فرزانه‌ای تلاشگر گردید به طوری که پیش از سن دوازده سالگی از برخی محدثان اخذ روایت کرد و از استاد خویش «شیخ صدوق» قبل از بیست سالگی حدیث شنید ^۲.

همت بلند، تلاش بسیار و ایمان قوی، همه دست به هم داد و شیخ مفید (ره) را انسانی فهیم و عالمی هوشمند ساخت.

او در صدد بود تا آموزش و تعلیم و تربیت شاگردان را از کودکی آغاز کند و در این راستا استعداد های شگرف و درخشان را شناسایی نماید. جاذبه فوق العاده و پشتکار چشمگیر وی بدانجا انجامید که شاگردان بسیاری زانوی تعلّم به محضرش زدند و هر روز از سرچشمه علم و دانش او بهره‌ها بردند. این معلّم انسان دوست، به پدر و مادر کودکان مستعدّ و علاقمند به تحصیل - که در فقر و ناداری به سر می بردند - پول می داد تا با رضایت آنان فرزندانشان کسب علم کنند و دغدغه خاطری برای خانواده خویش نداشته باشند. ظرافت برخورد و تلاش گسترده شیخ، برکت بسیاری به حوزه تعلیم و تربیت او بخشید و از سوی دیگر آثار وی را چون مشعلی فروزان، روشن و نورانی ساخت ^۳.

سُکّاندار حرکت شیعه

وی از شخصیت های بزرگی است که ارباب تراجم و دانشمندان رجال شناس به طور

۱. ترجمه الإرشاد، رسولي محلاتي، مقدمه، ص ۱۴.

۲. دیدار با ابرار (شیخ مفید) احمد لقمانی، ص ۲۱ و ۲۲.

۳. همان، ص ۵۷ و ۵۸.

عموم او را ستوده و خدمات او را به عالم شیعه متذکر شده‌اند و این خود بزرگترین دلیل بر خدمتگزاری او به ساحت مقدس ائمه دین علیهم‌السلام و نوامیس مقدس این آیین است و از آنجایی که سیاست کلی خلفای بنی عباس در دوران‌های مختلف نسبت به شیعه یک سیاست خشن و سختی بود، سعی می‌کردند با انواع مختلف آزار و شکنجه و نشر اکاذیب و جعل اخبار و نسبت دادن آنها به ائمه اطهار علیهم‌السلام، مذهب شیعه را آلوده سازند و میان آنان و عقایدشان تفرقه ایجاد کنند، اما با گذشت زمان و تضعیف دولت مرکزی بنی عباس و با روی کار آمدن دولت‌های استقلال طلب شیعه همچون فاطمیین، صفاریان و طاهریان، شیعه از یک آزادی کامل برخوردار گردید و این وضع موجب شد که به فعالیت‌های وسیعی مشغول شوند و انجمن‌ها و حوزه‌های علمی را تشکیل بدهند و کتاب‌های علمی و مذهبی را تألیف کنند، ولی علمای اهل تسنن که با آزادی سیاسی شیعه؛ وضع خود را در خطر می‌دیدند، ساکت ننشسته و شروع به تبلیغات دامنه‌داری بر علیه مذهب شیعه نموده و در علم کلام، اصول و استدلالات فقهی پیشرفت وسیعی کنند، لذا جهان تشیع به دانشمندانی نیازمند بود که بتوانند از مذهب شیعه دفاع کنند و پاسخگوی شبهات و ایرادات آنها باشند.

شیخ مفید که خود از محدثین عالی قدر شیعه بود، برای حفظ و صیانت این مذهب، مکتب بحث و استدلال را گشود و در سن ۴۰ سالگی ریاست شیعیان را در فقه و کلام و حدیث بر دوش گرفت و برای آشنا ساختن شیعه به روش استدلالی سایر فرقه‌های اسلامی، زحمات زیادی را متحمل شد و در عصری پراشتهاپ و دورانی پراضطراب که بحث‌ها، مناظرات، جدالها و گفتگوهای بسیاری رایج بود، سگانداری حرکت شیعه را بر عهده گرفت.

او پس از شرکت در مجامع عمومی بغداد، راه و روش استدلال را فرا گرفت و تسلط کاملی بر مسائل اصولی و کلامی پیدا کرد، بنابراین دست به کار تهذیب فقه شیعه شد و سبک تازه‌ای که در واقع مکمل همان سبک سابق بود، در پیش گرفت و طریقه استنباط و استخراج احکام را از روی ادله شرعی به شاگردان خویش آموخت^۱ و علم اصول فقه را - که در استنباط احکام مورد نیاز بود - به صورت دلپذیر و جامعی درآورد و مسائل متفرقه آن را جمع‌آوری کرده و به‌طور دقیق و مشروح تجزیه و تحلیل کرد و با رنج زیادی که در این راه متحمل شد، قواعد اصولی را مرتب ساخت و کتاب کوچکی که مشتمل بر تمام مباحث علم اصول بود، تصنیف

۱. ترجمه الإرشاد، ص ۱۱ و ۱۲.

کرد.

سرآمد فنّ مناظره

چیزی که به زندگانی شیخ جلوۀ تازه‌ای بخشیده، قدرت مناظره او بود. شیخ در مجال مناظره از استحضار عجیبی برخوردار بود و پیوسته انگشت روی نقاط ضعف سخن طرف مقابل می‌گذاشت و اگر همه مناظرات شیخ در جایی گرد آید، عظمت او روشن‌تر می‌گردد. هرچند شاگرد بزرگ او مرحوم «سید مرتضی» قسمتی از مناظرات او را در کتابی به نام «العیون» گردآورده و در زمان ما چاپ شده است.

در قدرت جدل و مناظره او همین بس که مخالفان شیخ می‌گفتند: او توانایی آن را دارد که ثابت کند این ستون از نقره است در حالی که از سنگ باشد. به‌طور مسلم این سخن از باب مثل گفته شده و حکایت از توان و قدرت او در مناظره دارد.^۱

نقل می‌شود که وی تمامی کتابهای مخالفان را حفظ نمود و به خاطر سپرد و بدینسان توانست شبهه‌های آنان را پاسخ بگوید. همچنین در خانه شیخ مجلس بحثی برپا می‌شد که اکثر علما از مذاهب مختلف در آن شرکت می‌کردند و مفید با تمامی آنان به بحث می‌پرداخت. نمونه‌هایی از این مناظرات را در کتاب با ارزش «الفصول المختارة» می‌بینیم که در آنها اوج مرتبت و ژرفایی اندیشه و تیزهوشی و لطافت فکر ایشان به روشنی جلوه‌گر است.^۲

مکتب شیخ مفید

عصر شیخ مفید، عصر شکوفایی تمدن اسلامی بوده و کاروان علم و دانش افق‌ها را می‌شکافت و پیش می‌رفت و جز مراکز اسلامی هیچ نقطه‌ای از نقاط جهان مهد علم و دانش نبود و آثار تمدن از همه جا دست و پای خود را جمع کرده و به این نقطه سرازیر گردیده بود. هنوز صلیبیان در فکر حمله به شرق نبوده و نیز ثنویان (مقول) در فکر هجوم به تمدن اسلامی نبودند. در چنین شرایطی که جامعه اسلامی از نعمت امنیت خارجی برخوردار بوده و هر روز دامنه علم گسترش می‌یافت، کافی است بدانیم که در پیشرفت علوم، کم‌تر قرن‌ی مانند قرن چهارم و پنجم اسلامی یافت می‌شود.

۱. سیمای فرزندگان، آیه‌الله جعفر سبحانی، ص ۴۴۶ و ۴۴۷.

۲. مجله نور علم، دوره سوم، شماره ۱۰، ص ۱۰۹.

فرقه معتزله که عقل‌گرا بودند، پس از روی کار آمدن «آل بویه» که خود شیعه و عقل‌گرا بودند، بار دیگر رشد کرده و در مقابل؛ اهل حدیث و سلفی‌ها به وجود آمد و در عین حال همان گروه که مورد حمایت آل بویه نیز بودند، با شیعه ناسازگاری‌های فراوانی داشتند.^۱

علم کلام و اصول فقه در میان دانشمندان اهل تسنن رونقی به سزا یافته بود. فقها و متکلمین بسیاری از اطراف بلاد اسلامی در بغداد گرد آمده و در رشته‌های گوناگون علمی به خصوص اصول عقاید و دیگر علوم و فنون متداول، مشغول بحث و جدال بودند. هرچند علم کلام پیش از شیخ مفید در میان شیعیان سابقه داشت، ولی به علت محدودیتی که در کار شیعیان وجود داشت، این موضوع از مرحله تالیف و تصنیف و متون کتابها و جنبه‌های خصوصی تجاوز نمی‌کرد.

پیش از «شیخ مفید»، استاد او، «شیخ صدوق» رئیس علمی و دینی شیعیان وقت، سبک ساده‌ای در تصنیف و تالیف به وجود آورده و آن را مبنای کار خود قرار داده بود. شیخ صدوق در فقه و اصول عقاید با استفاده از آیات صریح قرآنی و متن روایات پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام بهره می‌گرفت و کتاب می‌نوشت و به همان شیوه نیز فتوی می‌داد. از یک نظر سبک ساده شیخ صدوق و طریقه بی‌آلایش او در بیان احکام و عقاید که از الفاظ بافی و عبارت‌پردازی‌های متکلمین و اصولیان عصر به کلی پیراسته بود، بسیار خوب و مطلوب می‌نمود، ولی از نظر دیگر چون ادامه آن وضع با سیر و پیشرفت اهل تسنن در علوم نامبرده و کوتاهی شیعه در این باره ممکن بود رکودی در کارشان پدید آورد؛ لذا لزوم یک تحوّل اساسی در سبک استدلال و نگارش علوم و فنون اسلامی شیعه به خوبی احساس می‌شد؛ به خصوص اهل سنت از این لحاظ با دیده حقارت به آنان می‌نگریستند و این کمبودها را به رخ آنان می‌کشیدند. بنابراین شیخ مفید در ابداع و تعمیم و توسعه این مکتب کوشید و با استفاده از مبانی علم کلام و اصول فقه، راه بحث و استدلال را بر روی شیعیان گشود و اصول فقه را به صورت دلپذیری درآورد و ابواب آن را با دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و از پراکندگی بیرون آورد و هر موضوعی از آن را در محل خود جای داد و بدین وسیله، راه استفاده از احکام را روشن ساخت و از این راه نه تنها شیعیان را با روش استدلالی سایر مسلمین آشنا نمود، بلکه از زمان وی تاکنون تمام دانشمندان شیعه بی‌واسطه یا با واسطه از مکتب او استفاده کرده‌اند.^۲

۱. مأخذ قبل، ص ۴۴۹ و ۴۵۰.

۲. مفاخر اسلام، علی دوانی، ج ۳، ص ۲۴۱ و ۲۴۲.

ولایت فقیه از دیدگاه شیخ مفید

نخستین فقیهی که به نظام ولایت فقیه به عنوان یک نظام الهی تصریح فرمود و تلاشی وافر و چشم‌گیر در تحکیم مبانی و مبادی این نظام خدایی کرد، شیخ مفید بود به طوری که این اعتقاد مقدس و محبت‌آفرین، وی را مبعوض‌ترین فقهای شیعه نزد عالمان دیگر مذاهب قرار داد، شیخ عظیم‌الشأن بر این باور بود که «ولایت یک نظام حکومتی است و از فقیه به عنوان حاکم اسلامی و یا نایب حاکم اسلامی تعبیر شده است. این مذهب به وراثت از امام معصوم علیه السلام به فقها انتقال یافته است، زیرا روایت «العلماء وراثۃ الانبیاء» و اخبار صحیحی در دست ماست که این امور به فقها واگذار شده است»^۱.

ویژگی‌های اخلاقی و عرفانی

شایسته‌ترین و نیکوترین اخلاق را علمای بزرگ ما از مکتب اهل بیت علیهم السلام کسب کرده‌اند و این صفات پسندیده نوعاً در آنها دیده می‌شود، اما فضائل اخلاقی و صفات حمیده بعضی از علما به صورت برجسته‌تر نمایان است. شیخ فرزانه و فقیه فرهیخته، مرحوم مفید از جمله افرادی بود که حالات و صفات برجسته بسیاری را در خود جمع کرده بود. وی از روحیات معنوی خاصی برخوردار بود و خشوع و فروتنی فراوان داشت به طوری که نوشته‌اند در مجلس شاگردش «سید مرتضی» حاضر می‌شد و با این که سید می‌خواست استاد خود را به جای خویش بنشانند، ولی استاد نمی‌پذیرفت و از سید می‌خواست که درسش را ادامه دهد و از سخنانش لذت می‌برد و برای این که از مقام علمی او تجلیل کند، با این که خود رهبر شیعیان بود، همچو شاگرد در محضر او می‌نشست؛ زیرا معتقد بود انسان باید از نعمت‌ها و امکاناتی که خدای بزرگ برای او فراهم آورده، بیشترین استفاده را بکند.^۲

وی بسیار نماز می‌خواند و روزه می‌گرفت و هزاران صدقه می‌داد. لباس خشن بر تن می‌کرد. ظاهری لاغراندام، میان قامت و گندمگون داشت.^۳ انسان وارسته‌ای بود که سرای دل را به نور تقوا و تهذیب نفس روشن کرده بود. یاد خدا آرام‌بخش روح و روان او و معارف اهل بیت زینت‌بخش نهانخانه وجودش گشته بود. وی عالم عاملی بود که سخنان و آثار اخلاقی

۱. ماهنامه شاهد، شماره ۳۰۷، ص ۳۲، آذرماه ۱۳۷۹ ه.ش.

۲. مجله پاسدار اسلام، شماره ۵، اردیبهشت ۱۳۶۱، ص ۵۹.

۳. شذرات الذهب، ابن حماد حنبلی، ج ۳، ص ۲۰.

ارزنده‌اش، دارویی شفاف‌بخش برای ره‌پویان راه وارستگی به حساب می‌آمد، اما قبل از اینها عمق جان را به زینت و رع، تزکیه و اخلاق آرایش داده بود به طوری که عالمان شیعه و سنی معتقد بودند وی از لحاظ اخلاقی سرآمد اقران و هم‌عصران خویش بوده است. به همین دلیل آثار اخلاقی وی تأثیر بسیاری در روح و روان دانش‌پژوهان گذاشته و سخنان کیمیاگونه‌اش اثری ژرف و الهی برای پیرایش قلوب پاک انسان بوده است.^۱

عالمان شیعه پیرامون حالت روحی و عرفانی و شیوه اخلاقی این دانشمند، سخنان بسیاری گفته و جملات زیادی نوشته‌اند. برترین امتیاز و بالاترین دلیل بر کمال فراوان شیخ و رسیدن وی به قلّه تکامل و تهذیب نفس، نامه‌ها و توقیعاتی است که این عالم ربانی شایستگی دریافت آنها را پیدا کرد. نامه‌هایی که به افتخار وی از طرف قائم آل محمد ﷺ حضرت مهدی علیه السلام نگاشته شده است.^۲

مقام علمی و عملی

یکی از مشخصات بارز علمای بزرگ شیعه این است که چون علم و دانش را برای خدا و در راه خدمت به بندگان خدا طلب می‌کنند، خداوند وقار و شخصیت اجتماعی ارزنده‌ای به آنان ارزانی داشته است «...وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ...»^۳. این عزت و سربلندی را خداوند به بندگان خالص خود داده است و در طول تاریخ مردم شاهد این عزت برای بندگان شایسته بوده‌اند.

شیخ مفید از این نعمت الهی برخوردار بوده و دارای خصوصیات بارز بود که او را از سایر علما جدا کرده و دوست و دشمن به عظمت وی اعتراف کرده‌اند و محبوب دل دانشمندان می‌باشد و پس از گذشت بیش از هزار سال از ولادتش می‌بینیم که نام مبارکش بر سر زبانها و لابلای کتابها همچنان زنده و جاوید مانده است.

یادگارهای ارزنده علمی

بسیای از دانشمندان شیعه و سنی ذکر کرده‌اند که شیخ مفید متجاوز از دو بیست جلد کتاب در متون مختلف تألیف کرده که هر کدام از آنها در نهایت اتقان تدوین شده است. نجاشی،

۲. مجله حوزه، شماره ۵۴، ص ۳۲۷ و ۳۲۸.

۱. دیدار با ابرار، ص ۸۲.

۳. سوره منافقون، ۸.

مؤلف کتاب «فهرست مصنفی الشیعة» متجاوز از ۱۷۰ کتاب از تألیفات او را ذکر کرده است که نمونه‌هایی از آنها را با موضوعات مختلف ذکر می‌کنیم تا خوانندگان محترم به میزان کار و کوشش و تطوّر اندیشه مؤاج و تابناک آن مدافع رشید و پرتوان اسلام و شیعه پی ببرند:

۱. اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات در علم کلام.

۲. اصول الفقه در اصول فقه و مسائل متفرقه آن.

۳. الأمالی پیرامون اخلاق اسلامی.

۴. الأركان فی دعائم الدین. اصول دین و عقاید.

۴. التمهید: در حدیث.

۶. الإرشاد: پیرامون حضرت بقیة اللہ ﷺ.

۷. الفصول المختارة: دانش و مناظره.

۸. الردّ علی الجاحظ: در زمینه رد عقیده جاحظ.

۹. الإنصاح فی الإمامة: درباره امامت.

۱۰. البیان فی تألیف القرآن: درباره قرآن و فضیلت آن.

و کتب بسیاری که در موضوعات متفرقه و فنون دیگری تصنیف و تألیف کرده، اما متأسفانه مانند بسیاری از کتب دیگر مؤلفین شیعه، فقط تعداد محدودی از آنها اکنون در دسترس است!

غروب غم انگیز

شیخ مفید پس از این که ۷۶ یا ۷۸ سال عمر شریف خود را در راه خدمتگزاری به اهل بیت ﷺ و خاندان پاک پیامبر اسلام ﷺ گذراند، در شب جمعه سوم ماه مبارک رمضان سال ۴۱۳ هـ ق در شهر بغداد از دنیا رفت. جنازه او را به محله «اشنان» آوردند و در میدان وسیعی نهاده و متجاوز از هشتاد هزار نفر سوگوار اشک اندوه ریخته و عاشورایی دیگر در ماه صیام برپا کردند.

دها هزار نفر به همراه «سید مرتضی» بر پیکر این انسان وارسته نماز گزارند که حدود ۵۰ سال چون مشعلی تابناک، بخش گسترده‌ای از جهان اسلام را با دانش و معرفت خود روشن

۱. ترجمه الإرشاد، ص ۳۷ و ۳۸.

ساخته و در کرانه دجله بغداد، دجله‌ای دیگر از علم و معرفت به راه انداخت.^۱
 مورخین می‌نویسند پس از ادای نماز، او را در خانه خود در محلی سپرده و پس از چندی جنازه‌اش را به قبرستان قریش منتقل کردند و در پایین پای حضرت جواد علیه السلام کنار قبر استادش «جعفر بن محمد بن قولویه»^۲ به خاک سپردند.
 اما شخصیت سترگ او که پنهان کردنی و از یاد رفتنی نبود، پیوسته در برابر چشم زمان باقی ماند و هرگز از یاد نرفت و در روند شکوفایی فقه و کلام و مذهب اهل بیت نقش برجسته خود را ایفا کرد.^۲ و هم‌اکنون مزار شریفش در رواق مطهر کاظمین در قسمت جنوبی، دارای ضریح و صندوقی است و زیارتگاه شیعیان است. و امروز پس از قرنهای متمادی در معرکه آراء، کلام او خورشید مناظرات و آفتاب گفتگوهاست و در هنگامه دانش و فرهنگ، نام او همراه با عظمت و قداست برده می‌شود و در محافل علمی از نظرات و سخنان حکیمانانه‌اش بهره می‌برند.

بقیة از صفحه ۲)

و این پیامدهای ناگوار باعث شد که مسلمانان کمتر با ائمه اطهار علیهم السلام آشنا شده و گفتار و کردار آنان و احادیث پیامبر کمتر از زبان آنان به مسلمانان برسد. فقط در فاصله کوتاهی که دوران نابودی بنی امیه و روی کار آمدن عباسیان بود، صادق آل محمد علیهم السلام بود که توانست دوباره اسلام را با همان عظمت و شکوه علمی و معنوی خود آشکار و قرآن و احادیث پیامبر را چنانکه باید و شاید به افرادی خاص و مستعد بیاموزد و احکام و قوانین فقهی و حقوقی اسلام را برای آنان بیان کند تا جائی که چهار هزار محدث، فقیه، مفسر و متکلم و... از حوزه پربرکتش برخاستند و همچون ستارگانی درخشان صدها کتاب در علوم مختلف اسلامی و... به یادگار گذاردند که همه آنها قطره‌ای از دریای بی‌کرانه علم امام صادق علیه السلام بود.
 بیست و پنجم سؤال، روز شهادت احیاگر اسلام و قرآن و احادیث پیامبر، رئیس مذهب حقه شیعه، صادق آل محمد علیهم السلام را به ره‌پویان راهش تسلیت عرض نموده و پیروی راهش را برای همگان از خدای منان خواهانیم.

۱. فوائد الرضویه، شیخ عباس قمی، ص ۶۳۲. ۲. تاریخ کاظمین، میرزا عباس فیض، ص ۲۶۶.